

چالش‌های قومی در قفقاز

دکتر حسین احمدی^۱

به غیر از کشور ارمنستان دو کشور گرجستان و جمهوری آذربایجان دارای تنوع قومی با ساختار فرهنگی متفاوت هستند امری که حاکمیت یک قوم را با چالش‌های فراوان روبرو خواهد ساخت. گرجی‌ها به دلیل ساختار فرهنگی و مدنیت قوی و همچنین سابقه خودگردانی محلی، آمادگی بیشتری برای تعامل با دیگر اقوام دارند با این وجود قومیت‌های ارمنی، آذری، اوستی، آبخازی، آجاری و بازگشت ترک‌های مسختی، گرجستان را در بحران عمیقی فرو خواهد برد. این مقاله با تکیه بر آمارهای منابع معتبر و تحقیق میدانی انجام شده^۲ قصد تبیین موضوع آسیب پذیری گرجستان از این بحران قومی را دارد.

واژگان کلیدی: گرجستان، گرجی، آذری، مسختی، ارمنی، اوستی، آبخازی.

۱. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا

۲. نگارنده در اواخر خرداد و اوایل تیرماه ۱۳۸۷ برای تحقیق میدانی در گرجستان حضور یافت.

مقدمه

اگر از جمعیت ۴۰ تا ۵۰ هزار نفری کردهای یزیدی که در اطراف کوه آارات در ارمنستان مستقر هستند صرف نظر کنیم مابقی جمعیت ارمنستان، ارمنی هستند و به همین دلیل ارمنستان ظرفیت تشکیل «دولت و ملت تک قومی» را دارا می باشد. اما دو کشور دیگر قفقاز یعنی جمهوری آذربایجان و گرجستان با تنوع قومی قابل توجه امکان پیاده کردن چنین مدلی را ندارند در نتیجه کوشش در راستای این هدف جامعه دو کشور را با چالش گسترده‌ای روبرو خواهد کرد.

گرچه‌ها به دلیل سابقه تمدنی و دولت مداری طولانی امکان تعامل بیشتری را با اقوام داخلی دارند. آمار و ارقام ارائه شده از طرف آنها قرین به صحت می باشد اما در جمهوری آذربایجان آمار و اطلاعات ارائه شده به مقدار بسیاری غیر شفاف است به همین دلیل دسترسی به اطلاعات برای محققان دیگر کشورها بسیار سخت و فقط آمار ارائه شده قابل تأمل از طرف دولت میسر و ممکن است.

مقامات جمهوری آذربایجان با انکار یا به حداقل رساندن قومیت‌های غیر آذری و افزایش تعداد آذری‌ها سعی در اجرای مدل «دولت و ملت تک قومی» را دارند.

این آمار جای تأمل و درنگ بسیار دارد. پس از فروپاشی شوروی مثل تمام جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز بخش قابل توجهی از جمعیت جمهوری آذربایجان نیز به خارج از کشور به ویژه به روسیه مهاجرت کرده اند. این جمعیت را می توان به دلایل زیر بالغ بر ۱/۵۰۰/۰۰۰ نفر در نظر گرفت.

- با درگیری بین آذری‌ها و ارمنی‌ها در جمهوری آذربایجان به ویژه قتل و عام در سومقائیت و خوجالی جمعیت چهارصد هزار نفره ارمنی‌های مقیم جمهوری آذربایجان شروع به ترک این کشور نمودند به طوری که هم اکنون حدود چند هزار نفر ارمنی در جمهوری آذربایجان مانده اند.^۱

- نظر به اتخاذ رویه روس‌ستیزی در جمهوری آذربایجان از جمعیت حدود ۴۰۰۰۰۰ نفری روسی جمهوری آذربایجان فقط تعداد اندکی از جامعه مسن روسی که به دلایل شغلی و دریافت مستمری بازنشستگی در این سرزمین به سر می برند مابقی روس‌ها این کشور را ترک کرده اند.

۱. بیشتر این ارمنیان زنانی هستند که با مردان آذری ازدواج و به ناچار در این کشور مانده‌اند.

- تالشان در آستارا، لریک، ماساللی، یاردیملی و لنکران زندگی می‌کنند که جمعیت آنها در سال ۱۹۲۶م، ۷۷۳۲۳ آمده است اما در سال ۱۹۵۹ و ۱۹۷۰ آنها را استحاله شده در میان آذری‌ها حساب و آمار آنها صفر اعلام شده است، اما در سال ۱۹۷۹م تعداد آنها ۲۱۲۰۰ نفر و مجدداً در سال ۱۹۸۹ جمعیت تالشان صفر، سپس در سال ۱۹۹۹ بعد از اعلام جمهوری خود مختار تالش - مغان جمعیت آنها در سال ۱۹۹۹م، ۷۶۸۰۰ و نهایتاً در سال ۲۰۰۴، بدون ارائه ارقام، جمعیت آنها ۱٪ جمعیت جمهوری آذربایجان یعنی در حدود ۸۱۰۰۰ نفر اعلام می‌شود در حالی که فقط جمعیت لنکران و آستارا روی هم رفته ۱۸۰/۰۰۰ نفر می‌شود. ملاک آمار ارائه شده در جمهوری آذربایجان بر اساس زبان - که به گمان آنها - تنها عامل مبنای قومیت است. چگونه می‌شود که در سال ۱۹۵۹ و ۱۹۷۰ و ۱۹۸۹ به دلیل این که کسی در جمهوری آذربایجان زبان تالشی نمی‌داند جمعیت آنها صفر اعلام و مجدداً پس از حدود ده سال جمعیت آنها به مقدار اندک ذکر شود؟ آیا در مدت فوق کسانی از تالشان که زبان تالشی می‌دانستند از دیگر کشورها به جمهوری آذربایجان مهاجرت کرده‌اند یا تعدادی از این مردم ترک زبان شده در تالش شمالی تحت آموزش زبان تالش شمالی قرار گرفته‌اند و بدینوسیله در آمار مجدداً آمده است؟

چرا جمعیت تالش شمالی که در هنگام جدایی از ایران در سال ۱۲۴۳ق/ ۱۸۲۸ م پنجاه هزار نفر بود^۱ پس از گذشت ۱۷۰ سال باید ۸۰۰۰۰ نفر اعلام شود ولی در همان حال جمعیت در تالش جنوبی پس از این مدت به ۵۰۰/۰۰۰ نفر می‌رسد؟ این سردرگمی آمار ارائه شده خود نشان از حساسیت بر روی این قوم ایرانی دارد. جمعیت تالشان مقیم تالش شمالی در حال حاضر در حدود یک میلیون نفر می‌باشد (احمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۲) که بخشی از این جمعیت به دلیل اتخاذ رویه «دولت و ملت تک قومی» از جمهوری آذربایجان به مسکو و سنت پترزبورگ مهاجرت کرده‌اند. *گروه عمده بعدی که همانند تالشان تعداد آنها حدود یک میلیون نفر ولی در آمار ۱۹۹۹ ۱۷۸۰۰۰ نفر ذکر شده، لزگی‌ها هستند که به دلیل قبلی تعداد قابل توجهی از آنها به روسیه به ویژه به داغستان مهاجرت کرده‌اند.

۱. جمعیت تالش جنوبی در هنگام جدایی از ایران ۴۰۰۰۰ نفر بود.

گرجستان

معضل اوستیای جنوبی و آبخازیا ریشه در برنامه ریزی دقیق شوروی‌ها برای کنترل آسان بر منطقه قفقاز داشت. اوستیایی‌ها و آبخازی‌ها تقسیم بندی شوروی را برای واگذاری مناطق فوق را به گرجستان قابل قبول نمی‌دانستند و خواستار جدایی از گرجستان بودند در نتیجه در کمترین فاصله پس از فروپاشی اعلام کردند: «به همان دلیلی که گرجستان حق دارد از شوروی مستقل شود ما هم خواستار استقلال از گرجستان هستیم».

گامساخوردیا اولین رئیس جمهوری گرجستان با شعار «گرجستان برای گرجی‌ها» ضمن پیچیده کردن موضوع با حمله به سوخومی و تسخین والی آتش زیر خاکستر را شعله ور ساخت. با ناکامی ارتش گرجستان در شکست دادن اوستیایی‌ها و آبخازیها، گامساخوردیا جای خود را به ادوارد شواردنادزه داد.

با نگاهی به جمعیت گرجستان در فاصله ۱۹۲۶ تا ۱۹۸۹ این سؤال بی‌پاسخ از گامساخوردیا برای ۳۰٪ از جمعیت غیر گرجی گرجستان پیش آمد که اگر گرجستان فقط برای گرجی‌ها است پس جایگاه آنها در گرجستان چیست؟

اوستیای جنوبی^۱

آستها از اقوام ایرانی قفقاز و از نسل آلانها هستند. آلانها از اقوام آریایی و زبانشان ایرانی می‌باشد. به همین جهت مردم آلان خودشان را ایرون^۲ و سرزمین خویش را ایرستون می‌نامند. در قفقاز به آنها ایرون، اوس^۳، آس^۴ (W.E.D. Allen, 1932, P 30) و در زبان روسی مردم و سرزمین آلان را اوست^۵ و اوستیا^۶ می‌نامند (رضا، ۱۳۸۰، ص ۱۰۱) بعضی نیز گفته‌اند گرجی‌ها به آنها اوسی^۷ و روس‌ها اوستینی^۸ می‌گویند (Allen, p 30).

1. South Ossetia
2. Iron
1. Os
2. As
3. Osset
4. Ossetia
5. Osni
6. Ossetini

مولفان مسیحی آنها را مسیحی دانسته اند ولی ابن بطوطه اوست‌های مسلمان را دیده است. (بارتولد، ۱۳۷۶، ص ۱۹۷) در نتیجه می‌توان گفت که از سده چهاردهم میلادی / هشتم قمری دین اسلام در میان آلان‌ها رواج داشته است (رضا، ص ۱۰۱)

در سال‌های ۱۲۳۹ - ۱۲۳۸ م ضربه سهمگین از طرف مغول و تاتار بر آلان‌ها وارد گردید و به سرعت تجزیه شدند. تعدادی از مردم که در دو طرف رشته کوه بزرگ قفقاز زندگی می‌کنند از آن جمله مردم اوستیای جنوبی بازماندگان آلان‌ها هستند که افتخار بر ایرانی بودن خود دارند (رضا، ص ۱۰۲).

در قرون هیجدهم و نوزدهم به دلیل تسلط روسیه بر این منطقه و فعالیت میسیونرهای مذهبی روسی بخشی از مردم مسیحی شدند (آکینر، ۱۳۶۶، ص ۲۲۱-۲۲۲).

روس‌ها در سال ۱۹۲۱ پس از سرکوب قیام چچن - داغستان پنج حوزه اداری ملی مجزا تعریف کردند آنهایی که در مقابل دولت روس مقاومت نکرده بودند مثل اوستها و تعداد دیگر اشراف شناخته شدند ولی بعضی مثل داغستانی‌ها که مقاومت سختی از خود نشان دادند از این امتیاز محروم شدند. (بنیگسن، ۱۳۷۰، ص ۷۵-۷۴). به دنبال شکل‌گیری اوستیای شمالی، اوستیای جنوبی نیز در بیستم آوریل ۱۹۲۲ به ایالتی خود مختار تبدیل شد (آکینر، ص ۲۲۳).

بر خلاف آبخازیا، که گرجی‌ها در دوره شوروی اکثریت جمعیت را در آن داشتند، در اوستیای جنوبی اوستها بیشترین جمعیت را به خود اختصاص داده بودند. (Bennigsen, p205) با وجود این که جمعیت اوستیای شمالی را در حال حاضر ۸۰۰/۰۰۰ نفر ذکر کرده‌اند ولی جمعیت اوستیای جنوبی در قبل از جنگ اخیر روسیه و گرجستان ۷۰/۰۰۰ ثبت شده است زیرا همانند آبخازیا پس از فروپاشی و با توجه به درگیری‌های دولت گرجستان با جمهوری‌های خود مختار، جمعیت گرجی اوستیای جنوبی عمدتاً به سمت تفلیس ترک کرده‌اند و در هتل‌ها و مهمانسراهای متعدد اطراف تفلیس استقرار پیدا کرده‌اند. بعد از جنگ اخیر روسیه و گرجستان جمعیت این منطقه تا سی هزار نفر رو به کاهش گذاشت اما پس از خروج ارتش گرجستان و اعلام استقلال این جمهوری و حمایت دولت روسیه از این استقلال، جمعیت خود مختار اوستیای جنوبی در حال افزایش است. اوستها اکثریت مسیحی ارتدوکس و حدود ۱۰٪ مسلمان هستند.

آبخازیا

جمهوری خود مختار آبخازیا با مساحت ۸۷۰۰ در شمال غربی گرجستان در کنار دریای سیاه واقع شده است. در قرن پانزدهم پس از تصرف این منطقه توسط عثمانی‌ها اسلام در آن گسترش یافت به طوری که در قرن ۱۹ اکثریت جمعیت ۱۵۰/۰۰۰ نفره آنها اسلام (سنی حنفی) را پذیرفتند (Bennigsen, p214) ولی تحت فشار روس‌ها نیمی از مسلمانان آبخاز به عثمانی مهاجرت کردند و به جای آنان گرجی‌ها در مناطق ساحلی آبخازیا ساکن شدند (Bennigsen, p5).

آبخاز یکی از سه ناحیه خود مختاری بود که در چهارم مارس ۱۹۲۱ شکل گرفت. الفبای آبخازیا از ۱۹۱۸ تا ۱۹۸۳ لاتین و از سال ۱۹۳۸ تا ۱۹۵۴ گرجی و از سال ۱۹۵۴ سرلیک^۱ شد. زبان آنها از گروه زبان‌های ایبری - قفقازی^۲ است که با زبان گرجی‌ها تفاوت بسیار دارد (آکینر، ص ۲۷۶).

در آبخازیا همیشه جمعیت گرجی بر جمعیت اقوام دیگر به ویژه آبخازی برتری داشته است مثلاً در سال ۱۹۷۹ جمعیت گرجی ۴۳/۹٪ و جمعیت آبخازی تنها ۱/۱۷٪ از جمعیت آبخازستان را تشکیل می‌دادند اما پس از فروپاشی با شروع جنگ، تقریباً تمامی گرجی‌ها و اوکراینی‌ها و بیشتر روس‌ها و ارمنیان آبخازستان را ترک کردند.

جمعیت آبخازیا در سال ۱۹۹۳، ۵۱۶۶۰۰ نفر که پایتخت آن سوخومی بیش از ۱۵۰ هزار نفر را در خود جای داده بود. از سال ۱۹۹۲ با شروع جنگ داخلی گرجستان جمعیت آن به سرعت رو به کاهش گذاشت تا جایی در آمارهای سال ۲۰۰۵ جمعیت آبخازیا حدود ۱۵۰/۰۰۰ نفر رسید ولی در حال حاضر به دلیل جنگ اخیر روسیه و گرجستان کمتر از ۱۰۰/۰۰۰ نفر در آبخازیا زندگی می‌کنند.

آجاریا

جمهوری خود مختار آجاریا با وسعت ۳۰۰۰ کیلومتر در جنوب غربی گرجستان و در سواحل شرقی دریای سیاه و در مرز ترکیه قرار دارد. پایتخت آجاریا بندر باتومی^۳ می‌باشد.

1. Cyrillic

2. Ibero - Caucasian

1. Batumi

بعد از این که ترکان عثمانی در قرن هفدهم میلادی قسمت غربی قفقاز جنوبی را تصرف کردند آجارهای گرجی با پذیرش مذهب سنی حنفی، مسلمان شدند و زبان مردم منطقه به تدریج ترکی شد.

با انقلاب اکتبر روسیه و پس از تسلط بلشویک‌ها بر قفقاز در شانزدهم ژوئیه ۱۹۲۱ منطقه خودمختار آجاریا در ترکیب جمهوری گرجستان شکل گرفت. (Bennigsen, P 129, 207) در آمار سال ۱۹۲۶ جمعیت آجاریا ۷۱۴۹۸ آمده، ولی در آمار سال ۱۹۵۹ تعداد آنها به همراه گرجی‌ها آمده و جداگانه ذکر نشده است. در آمار سال‌های ۱۹۷۰، ۱۹۷۹، ۱۹۹۳ به ترتیب جمعیت آجاریا ۳۰۹۶۶۸، ۳۵۵۰۰۰، ۳۸۶۷۰۰ ذکر شده است. (آکینر، ۱۳۶۶، ص ۲۹۸) بیشتر جمعیت آجاریا مسلمان هستند و در شهرهای کدا^۱ و خلوا^۲ دارای اکثریت مطلق می‌باشند. اکثریت مردم روستاهای آجاریا نیز مسلمان هستند.

ارمنی‌ها

بیشتر ارمنی‌ها در سرزمین جاواختی^۳ به مرکزیت آخال کالاکي^۴ ساکن هستند. در تفلیس و نینوتسمی‌ندا^۵ هم ارمنیان قابل توجهی زندگی می‌کنند. با نگاهی گذرا آمار ارمنیان گرجستان در دوره شوروی را می‌توان اقلیت بزرگ پس از روس‌ها در گرجستان به حساب آورد. (Bennigsen, p133)

تعداد ارمنیان در آجاریا به عنوان بزرگترین اقلیت غیر گرجی با تعداد ۱۵۶۱۴ نفر در سال ۱۹۷۰م بود. در اوستیا در سال ۱۹۷۹ م، ۱۶۱۰۱ نفر ارمنی زندگی می‌کردند. در آبخازیا آمار دقیق‌تری از ارمنیان وجود دارد. این تعداد در سال‌های ۱۹۲۶، ۱۹۵۹، ۱۹۷۰، ۱۹۷۹ به ترتیب ۲۵۶۶۷، ۶۴۴۲۵، ۷۴۸۵۰ و ۷۳۳۵۰ نفر بوده است. (Benningsen, p 205) ارمنیان در منطقه مرزی روسیه با آبخازیا ساکن هستند که جمعیت کنونی آنها معلوم نیست ولی بخش قابل توجهی از ارمنیان در بندرسوچی روسیه که بالاتر از آبخازیا قرار دارد جمع شده اند.

2. Keda
3. khalo
4. Javakheti
5. Akhalkalaki
6. Ninotsmida

جمعیت ارمنی مقیم گرجستان پس از فروپاشی ۵۰۰۰۰۰ نفر بود که ۲۰۰۰۰۰ نفر از آنان در تفلیس زندگی می‌کردند و بخش عمده ای هم در جاواختی و سپس در آبخازیا و آجاریا و اوستیا به سر می‌بردند. در حال حاضر جمعیت ارمنی مقیم گرجستان به گفته گرجی‌ها ۳۵۰۰۰۰ نفر و به نظر ارمنی‌ها ۴۶۰۰۰۰ نفر می‌باشد. جمعیت مهاجرت کرده ارمنی از گرجستان بیشتر مربوط به تفلیس می‌باشد که از وضعیت معیشتی خوبی به نسبت ارمنیان سایر نقاط گرجستان برخوردارند.

احتمالاً با حل موضوع قره‌باغ روابط ارمنی‌ها و آذری‌ها بهبود خواهد یافت. اما مشکلات روابط گرجی‌ها و ارمنی‌ها تقابل تفکرات عمیق میان دو ملت با سابقه مدنیت و دولت‌مداری طولانی می‌باشد که هر یک خود را برتر از دیگری می‌داند. اگرچه این تضاد ریشه دار به دلیل مشکلات فعلی ارمنستان و گرجستان نمایان نیست اما بسیار ریشه دار و دارای سابقه تاریخی است. شاید برای روشن شدن اذهان، اشاره به یک مورد تاریخی خالی از لطف نباشد. پس از روی کار آمدن سلسله قاجار و با توجه به این که بعد از قتل نادرشاه افشار در سال ۱۱۶۰ ق پنجاه سال قفقاز به دلیل حکومت ضعیف و نیم بند زندیه بر بخشی از خاک ایران به حال خود رها شده بود، آقا محمدخان قاجار در جهت احیای تسلط مجدد ایران بر منطقه ابتدا به سراغ ابراهیم خلیل خان جوانشیر حاکم قره باغ رفت. در محاصره قلعه شوشی ملیک مجنون چله بردی به همراه نیروهای ارمنی و جوادخان حاکم ترک زبان و ایران دوست گنجه به همراه نیروهای بسیاری، آقا محمدخان را یاری می‌دادند اما خان قاجار به دلیل نداشتن توپ‌های قلعه کوب از پس تصرف قلعه شوشی بر نیامد. (میرزا یوسف قره‌باغی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۱)

ملیک مجنون ارمنی برای جلوگیری از ائتلاف وقت به آقا محمدخان قاجار پیشنهاد حمله به تفلیس را داد و شاه قاجار نیز پذیرفت زیرا هراکلیوس حاکم گرجستان بعد از نادرشاه به دلیل عدم تمکین حکومت مرکزی ایران و انعقاد عهدنامه تحت‌الحمایگی با روسیه خشم خان قاجار را برانگیخته بود. با راهنمایی ملیک مجنون چله بردی و جوادخان گنجه‌ایی، آقا محمدخان به سوی تفلیس حرکت کرد. بعد از محاصره تفلیس قسمتی از قوای اعزامی به رهبری ملیک مجنون از طرف سولاکی وارد شهر تفلیس شدند و هراکلیوس نیز به کوهستان‌های اطراف شهر پناه برد. نظر به دشمنی قبلی، ملیک مجنون از گرجی‌ها، کشتار بسیار کرد و هشت روز تفلیس دستخوش غارت و چپاول شد. ملیک مجنون بدین‌وسیله انتقام سختی از گرجی‌ها و هراکلیوس گرفت.

اگرچه بعدها ملیک مجنون با برگرداندن اشیاء غارت شده از طیب گرفته تا ظروف کلیساهای گرجی سعی در جلب قلوب گرجیها نمود ولی در این راه توفیقی نیافت. ملیک مجنون به خواسته واقعی خود که اعطای حکمرانی گرجستان از طرف آقا محمدخان بود نرسید زیرا گرفتاری‌های خان قاجار در جنوب و شرق ایران وی را مجبور به مراجعت کرد. این حرکت ملیک مجنون دشمنی‌های عدیده گرجی‌ها و ارمنی‌ها را افزایش داد. (رافی، ۱۳۸۵، ص ۹۳-۹۱؛ میرزا جمال جوانشیر قره‌باغی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۷)

ارمنیان گرجستان به عنوان بزرگترین گروه جمعیتی پس از گرجی‌ها در گرجستان و چهارمین گروه بزرگ ارمنیان خارج از ارمنستان در جهان پس از روسیه، امریکا و فرانسه محسوب می‌شوند. اکثریت ارمنیان گرجستان در این سرزمین متولد شده‌اند و کشور گرجستان را بسیار دوست دارند. در پایگاه‌های قبلی روس‌ها در گرجستان به لحاظ اعتماد روس‌ها و ارمنیان نسبت به همدیگر تقریباً تمامی کارمندان محلی روس‌ها در تفلیس، باتومی، سوخومی و آخال کالاک‌های ارمنیان بودند. به لحاظ جایگاه ارمنیان در گرجستان به خصوص ارمنیان مقیم تفلیس، آقای وان بای بورتیان ارمنی از مشاورین ارشد میخائیل ساکاشویلی رئیس جمهور گرجستان هستند و ارمنیان به لحاظ داشتن بیشترین جمعیت پس از گرجی‌ها در حال حاضر در مجلس گرجستان سه نماینده دارند.

با وجود دشمنی سخت میان روسیه و گرجستان از یک طرف و از طرف دیگر روابط بسیار خوب ارمنیان گرجستان با روس‌ها، دولت ساکاشویلی تاکنون از وارد کردن هرگونه اتهامی به ارمنیان گرجستان برای تحت فشار قرار دادن آنها به صورت رسمی خودداری کرده‌است و سیاست‌هایی را برای وادار کردن ارمنیان گرجستان در جهت جذب در جامعه گرجی انجام داده است از آن جمله دستورالعملی مبنی بر این که دانش آموزانی که مدارس را تمام و قصد ورود به دانشگاه دارند باید زبان گرجی بدانند و یا طرح‌های مشوقانه برای دانش آموزان مدارس ارمنی در جهت یادگیری زبان گرجی و اعطای تسهیلات به معلمان یا دست اندرکاران امور فرهنگی ارمنی در خصوص یادگیری زبان گرجی از آن جمله می‌باشد. این طرحها بیشتر ارمنیان جاواختی را در بر می‌گیرد که بسیار متعصب هستند و به جز زبان ارمنی زبان دیگری را نمی‌دانند و حاضر به یادگیری زبان دیگری نیستند.

ارمنیان گرجستان همانند تمامی ارمنیان جهان نگاه ویژه ای به ارمنستان دارند. در هنگام جنگ قره‌باغ بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان، مافیای ارمنی مقیم گرجستان و

ارمنستان از یک طرف و مافیای آذری مقیم گرجستان و جمهوری آذربایجان در جنگ به داد و ستد کالاهای وسیعی در منطقه صدقلو گرجستان پرداختند. ارمنی‌ها سلاح، مهمات، گازوئیل و بنزین از مافیای آذری دریافت و به آنها سیگار و مشروبات الکلی می‌دادند. این مبادله در قسمت محدوده جنگی فضولی جمهوری آذربایجان هم انجام می‌شد به طوری که در ایام جنگ قره‌باغ با کشته شدن یکی از سران مافیای ارمنی، ارمنی‌ها با کمال امنیت به سران مافیای اقتصادی جمهوری آذربایجان که با فرد کشته شده ارمنی داد و ستد می‌کرد اجازه دادند که در مجلس ختم وی در ارمنستان شرکت کند.

آذری‌ها

آذری‌های گرجستان بازماندگان قبیله بورچالو هستند که شاه عباس اول صفوی آنها را به این منطقه کوچاند. آذری‌ها در استان کارتلی پائین و در مارنئولی، بولیسی و دمانیسی زندگی می‌کنند. آمار حکایت از افزایش سریع آذری‌ها در گرجستان دارد. (Bennigsen, p 133)

با توجه به آمار سال ۱۹۸۹ که جمعیت آذری‌های گرجستان در حدود ۳۰۷۶۰۰ ذکر شده (sunny, p 489) و نظر به رشد جمعیت آذری‌ها در فاصله سال‌های ۱۹۵۹ تا ۱۹۸۹ (آکینر، ۱۳۶۶، ص ۱۳۹)، تعداد آذری‌ها را باید هم اکنون در گرجستان بالغ بر ۳۵۰/۰۰۰ نفر دانست. در شهر تفلیس نیز افزایش جمعیت آذری از ۱۲۶۱۴ نفر در سال ۱۹۷۹ به ۱۷۹۸۶ نفر در سال ۱۹۸۹ دیده می‌شود. (امیراحمدیان، ۱۳۸۶، ص ۳۳۶)

با در نظر گرفتن آمار شوروی در فاصله سال‌های ۱۹۲۶ تا ۱۹۷۹ آذری‌ها بیشتر در جوامع روستایی سکونت داشتند. (جدول شماره ۱) (آکینر، ص ۱۴۰)

جدول شماره ۱ توزیع سکونت آذری‌ها در مناطق شهری و روستایی گرجستان

۱۹۷۰		۱۹۲۶	
روستایی	شهری	روستایی	شهری
۱۷۸۰۸۹	۳۹۶۶۹	۱۳۱۳۳۳	۶۵۸۸
۸۱/۸	٪۱۸/۲	٪۹۵/۲	٪۴۸

آذری‌های مقیم گرجستان نیم نگاهی به آذربایجان بزرگ دارند که از طرف باکو دنبال می‌شود. با نگاهی به کتب درسی تاریخی جمهوری آذربایجان به ویژه نقشه روی جلد و متن کتاب تاریخ کلاس پنجم به نام «آتایوردو» مشخص می‌شود که آذربایجان بزرگ علاوه بر هفت استان شمال غربی ایران، تقریباً تمامی ارمنستان، بخشی از داغستان روسیه و قسمتی از گرجستان که در آن آذری‌ها سکونت دارند را نیز در بر می‌گیرد. (محمملو و ...، ۲۰۰۲، صفحه روی جلد) ادعای ارضی جمهوری آذربایجان بر مناطق آذری‌نشین گرجستان قطعاً با حضور ترک‌های مسختی به چالش عظیمی برای دولت گرجستان تبدیل خواهد شد.

مسختی‌ها^۱

در همسایگی شرقی سرزمین آجاریا در گرجستان جنوبی و در شمال شرقی مرز ترکیه و شمال ارمنستان سرزمین مسخت قرار دارد که قسمت مهمی از این سرزمین آخال تسیخه^۲ می‌باشد. (Bennigsen, p26) این سرزمین در قرن شانزدهم میلادی به تصرف عثمانیها درآمد و به دنبال این اقدام مردم این منطقه مسلمان شدند و زبان ترکی نیز، زبان اول آنها مبدل گشت. اما در سال ۱۸۳۸ م / ۱۲۴۳ ق بعد از این که روسیه سرزمین ماورای ارس از جمله گرجستان را با انعقاد عهدنامه ترکمانچای از ایران جدا کرد بلافاصله ضمن جنگی با عثمانی‌ها در سال بعد منطقه مسخت را به تصرف خود در آورد.

اکثریت مسختی‌ها مسلمانان سنی حنفی و گروه کوچکی از آنها از شیعیان غالی هستند که همچنان ترک زبان باقی ماندند. (Bennigsen, p 216)

در هنگام جنگ دوم جهانی استالین تعدادی از اقوام ساکن قفقاز شمالی و جنوبی را به اتهام همکاری با آلمانی‌ها به مهاجرت و جابه‌جایی اجباری واداشت که شامل قلموقها، تاتارهای قرم، آلمانی‌های ولگا، چچن - اینگوش‌ها، قراچای‌ها و بالکارها می‌شدند.

در اواخر ۱۹۴۴م استالین قصد داشت با حمایت از ادعای ارمنیان و گرجی‌ها مبنی بر تعلق داشتن سه استان قارص، اردهان و آرتوین به آنها، به ترکیه فشار وارد کند. با توجه به پیش‌بینی درگیری‌های مرزی بین دو طرف، استالین در صدد برآمد مناطق سرحدی دو کشور در مسخت را از عناصر ترک زبان مسلمان مسختی که در هواداری از سیاست‌های

1. Meskheti
2. Ahartiskhe

ترکیه در جنگ دوم جهانی به اذیت و آزار مسیحیان به ویژه ارمنیان و آتش زدن بعضی از کلیساهایشان اقدام کرده بودند عاری نماید. امری که به ظاهر از دیدگاه منافع شوروی درست و بجا تلقی شد.

مسختی‌ها که تعداد آنها در آن دوره تا ۲۰۰ هزار نفر ذکر شده به همراه عده‌ای از ترکمن‌ها^۱، قراپاخواها^۲، حمشین‌ها^۳ کردهای^۴ آجاریا و لازها^۵ در نوامبر و دسامبر ۱۹۴۴ به آسیای مرکزی تبعید شدند. در راه این انتقال اجباری مسختی‌ها به دره فرغانه در ازبکستان حدود ۵۰ هزار نفر تلف شدند و دولت شوروی نیز تا ۱۹۶۸م اجازه نشر هیچ اطلاعاتی درباره کوچ مسختی‌ها را نداد. ولی در سال اخیر به آنها قول بازگشت به زادگاهشان داده شد اما فقط تنها گروه چند هزار نفری از آنها در منطقه نامساعد آب و هوایی ساعتلی^۶ در جمهوری آذربایجان استقرار یافتند.

بعد از فروپاشی شوروی با فشار وارده از سوی سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا ادواردشوارنادزه رئیس جمهوری وقت گرجستان قراردادی را امضا کرد که به موجب آن دولت گرجستان موظف شد تا سال ۲۰۱۱م سیصد هزار نفر از مسختی‌ها که تعداد آنها در حال حاضر ۴۵۰ تا ۴۷۰ هزار نفر ذکر شده به گرجستان برگرداند.

با پذیرش این فرضیه که مسختی‌ها گرجی بوده اند باید اذعان کرد که بیش از نیم قرن حضور در سرزمین ازبکستان، این جمعیت را کاملاً ازبک کرده و حالا هیچ سنخیت فرهنگی، دینی، زبانی و مانند آن با گرجی‌ها ندارند. در نتیجه بازگشت مسختی‌ها ازبک شده بیگانه با

۱. ترکمن‌های ترک زبان در جنوب گرجستان و در شرق آناتولی زندگی می‌کردند.

۲. Ghrapapakh ایلات ترک زبان بودند که در شمال ارمنستان به سر می‌بردند.

۳. Hemshins ارمنیان ترک زبان مسلمان را گویند که چون در زبان روسی «ح» وجود ندارد در منابع روسی آنها را Khemshins گفته‌اند. به گفته بنیگسن تعداد آنها در گرجستان در سال ۱۹۲۶، ۶۲۹ نفر و تخمیناً در هنگام کوچ به حدود ۲۰۰۰ تن بالغ می‌شدند. (Bennigsen, p 218) ارمنی‌ها، حمشین‌های داخل ترکیه را دو میلیون نفر می‌دانند.

۴. تعداد کردها در سال ۱۹۲۶، ۴۰۲۶ نفر بود که در منطقه آخال تسیخه و آخال کالاکلی زندگی و به زبان ترکی صحبت می‌کردند. در منطقه آجار ۳۲۹۵ نفر بودند که آنها نیز در نوامبر ۱۹۴۴ به آسیای مرکزی تبعید شدند. (Bennigsen, p218)

5. lazes

6. Saatly

فرهنگ گرجی و گرجستان که از نظر مذهبی بسیار متعصب هم هستند بحران شدیدی را در گرجستان ایجاد خواهد کرد.

مطابق برنامه طراحی شده توسط دولت گرجستان مسختی‌ها در منطقه جاواختی - مسخت در شهرها و روستاهایی که ارمنیان و گرجی‌ها ساکنند استقرار پیدا خواهند کرد. نظر به سابقه عداوت میان ارمنی‌ها و گرجی‌ها از یک طرف با مسختی‌ها که اشاره رفت مردم بسیار متعصب این منطقه هم اکنون آماده مقابله با حضور مسختی‌ها هستند. نظر به فقدان همزیستی مسیحیان منطقه با مسختی‌ها دولت گرجستان ناچار باید به کوچ دسته جمعی ارمنیان و گرجی‌های منطقه به نقاط دیگر اقدام کند که با توجه به وضعیت نامساعد مالی و حساسیت‌های بین المللی به ویژه توسط روسیه و اتحادیه اروپا این امر به راحتی میسر نخواهد شد.

مسختی‌ها در تحرکات سیاسی گرایش خود را به ترکیه به وضوح نشان داده اند و مطمئناً پس از استقرار در جنوب گرجستان و مرز ترکیه در جهت همگرایی با این کشور و ایجاد ترکستان بزرگ هم آوای ترکیه خواهند شد. این استقرار ضمن این‌که به ضرر گرجستان خواهد بود خطرات بالقوه و بالفعلی را متوجه ارمنستان خواهد کرد جمهوری آذربایجان نیز قاعدتاً از استقرار مسختی‌ها خشنود خواهد گشت.

مناقشه مذهبی

تنش‌های مذهبی بین گرجی‌ها و غیر گرجی‌ها می‌تواند تنش‌های قومی را تشدید نماید. اکثر آذری‌های مقیم گرجستان شیعه دوازده امامی و اقلیتی سنی حنفی هستند. آجارها نیز مانند ترکان مسختی مذهب سنی حنفی دارند.

گرجی‌ها و ارمنیان گرچه هر دو مسیحی‌اند ولی شریعت مذهب ارتدوکس گرجی با شریعت مذهب گریگوری ارمنیان تفاوت‌هایی دارد. کلیسای ارتدوکس مرجعیت و مرکزیت مشخصی مانند کاتولیک ندارد و خود مختار و مستقل است.

بر اساس عقیده مسیحیان، دوازده حواری حضرت مسیح (ع) به هر مکانی که برای تبلیغ رفته اند آن کشورها حق احداث کلیسا دارند. از نظر گرجی‌های ارتدوکس دو حواری در منطقه آجار و مسخت آمده در نتیجه گرجستان می‌تواند کلیسای مستقلی داشته باشد به عبارت بهتر از نظر شریعت ارتدوکسی بین کلیسای گرجستان، روسیه، رومانی،

بلغارستان و مانند آن فرق نیست فقط تفاوت‌های فرهنگی موضوع است مثلاً تمام مراسم به زبان گرجی، آرایش و معماری و رنگ‌های کلیساها به دلخواه و مورد پسند گرجی‌ها می‌تواند باشد.

نظر به این که ارمنی‌ها زودتر از گرجی‌ها مذهب مسیح را پذیرفته و رسمی کردند در نتیجه نوعی برتری دینی در مقابل گرجی‌ها احساس می‌کردند. با گذشت زمان تقابل این تفکر در سال ۶۰۷ م به قطع روابط کامل بین کلیسای ارمنی‌ها و گرجی‌ها انجامید و به دستور اسقف اعظم ارمنستان، ورود گریگوری‌های ارمنی به کلیساهای گرجی کافر ممنوع شد.

بخش قابل توجهی از گرجی‌ها و ارمنی‌های جنوب گرجستان جایی که مسختی‌ها ساکن خواهند شد مذهب کاتولیک دارند. نظر به اینکه منطقه جاواخت مسخت قرون ۱۸ و ۱۹ در دست عثمانی بود قراردادی بین اروپائی‌ها و عثمانی‌ها منعقد شد که کاتولیک‌ها، آزادی‌های بیشتری به نسبت سایر مذاهب داشتند و از مالیات نیز معاف بودند به همین دلیل در این منطقه مردم مذهب کاتولیک را پذیرفتند. این همانندی مذهبی در تقابل با مسختی‌ها و حتی با حاکمیت گرجی‌های ارتدوکس می‌تواند موثر باشد.

بعد از فروپاشی و پس از سال‌های حاکمیت ضد دینی وجود آزادی‌های بدون برنامه، میسیونرهای مذهبی در گرجستان شروع به فعالیت کردند. پروتستان مذهبان تحت حمایت دولت امریکا و سازمان سیا و همچنین سازمان جاسوسی انگلیس به یارگیری در گرجستان مشغول و تعدادی از گرجی‌های ارتدوکس مذهب با حمایت‌های مالی گسترده به مذهب پروتستان کشاندند.

بهائیان نیز با ایجاد دفتری بزرگ در تفلیس و واگذاری پول و ماشین، مردم را از ابتدا به سوی تجمعات خود دعوت و سپس به جذب گرجی‌ها پرداختند. همچنان این یارگیری مذهبی در جامعه گرجی با اقتصاد ضعیف، مسلماً در نسل‌های بعدی هویت قومی گرجی را به تنش و درگیری‌های مذهبی و نهایتاً چند دستگی تبدیل خواهد کرد.

نظر به کاهش شدید جمعیت گرجی در سال‌های آتی و افزایش جمعیت غیرگرجی و در نتیجه ایجاد تنش و چند دستگی در گرجستان، راهکارهای زیر از سوی دولت گرجستان قابل تصور است:

۱. افزایش تعامل با ترکیه

برای افزایش جمعیت گرجستان، ساکاشویلی رئیس جمهوری گرجستان اعلام کرده که از هر سه نفر ترک‌های ترکیه یکی مادر بزرگش گرجی است. به عبارت بهتر حداقل ده میلیون گرجی در ترکیه زندگی می‌کنند و به شرطی که از نظر معنوی گرجی بودن خود را بپذیرند گرجستان حاضر به دادن پناهندگی به آنهاست.

ترک‌ها نیز از این موضوع به شدت استقبال کردند و به نوعی در تعامل با گرجی‌ها برای کاهش فشارهای بین‌المللی در خصوص قتل عام ارمنیان برنامه‌ای را تدوین کرده‌اند. گرجی جلوه دادن محل سکونت ارمنیان در قارص و آردهان و وانمود کردن این نکته که مناطق فوق در هیچ دوره تاریخی محل سکونت ارمنیان نبوده تا بدین وسیله بتوانند مساله کشتار ارمنیان در سال ۱۹۱۵ توسط عثمانی‌ها را تحت الشعاع قرار دهند. در همین راستا کلیساهای بجا مانده از آرامنه در ترکیه در حال واگذاری به گرجی‌ها می‌باشد.

در مقابل، ترک‌ها که همیشه در مقابل هر نوع تحرکی در منطقه مسلمان نشین ترک زبان آجاریا حساسیت نشان می‌دادند، در مقابل حرکت ساکاشویلی برای حذف آباشیدزه حاکم آجاریا با توجه به وابستگی آباشیدزه به روسیه و در نتیجه کم شدن نفوذ روسیه در مرزهای خود واکنش چندانی نشان ندادند.

ترکیه از جایگزینی مسختی‌ها به جای آرامنه در جاواختی به دلیل این که به نوعی آرامنه را از مرزهای این کشور دور می‌کند و ضریب امنیتی آن کشور را بالا می‌برد حمایت می‌کند ضمن این که با استقرار مسختی‌ها به جای ارمنیان، محاصره ارمنستان به وسیله ترک زبانان کامل تر و وابستگی ارمنستان به ایران بیشتر خواهد شد. ولی نفوذ ترکیه در قفقاز بیشتر و از جهاتی به کاهش نفوذ ایران در گرجستان خواهد انجامید.

۲. کاهش تعداد فرزندان

از جمعیت ۵/۵ میلیون نفری گرجستان پس از فروپاشی تاکنون یک میلیون نفر به خارج و عمدتاً به روسیه مهاجرت کرده‌اند که بخش عمده‌ای از آنها گرجی بوده‌اند. در دوره شوروی، به دلیل بهره‌مندی از غنای فرهنگی بالا و با توجه به وضعیت معیشتی مطلوب، گرجی‌ها تمایل چندانی به بیش از دو فرزند در خانواده‌های خود نداشتند. اما پس از

فروپاشی شوروی نظر به تنگی معیشت^۱، به نوعی تک فرزندی در بین ملت گرجی حاکم شده است. با توجه به رشد منفی جمعیت گرجی حاصل از مهاجرت و حاکم شدن فرهنگ تک فرزندی از یک طرف و زاد و ولد غیر گرجی‌ها به ویژه آذری‌ها، مسختی‌ها، آجارها، ارمنی‌ها و دیگر قوم‌ها^۲ از سوی دیگر، به نظر می‌رسد در سال ۲۰۳۰ با شکل‌گیری نسلی جدید از قومیت‌های موجود، گرجی‌ها اگر به یک اقلیت تبدیل نشوند قطعاً اکثریت را نخواهند داشت.

با توجه به کاهش جمعیت گرجی‌ها، دولت گرجستان احتمالاً برنامه‌ای را تدوین خواهد کرد که همانند چین بیشتر از یک فرزند داشتن باعث محرومیت‌های اجتماعی می‌گردد.

۳. مهاجرت مسختی‌ها به امریکا

برای جلوگیری از ورود گسترده مسختی‌های متعصب به گرجستان، ایالات متحده امریکا در حال کوچاندن دسته جمعی مسختی‌ها مقیم روسیه به امریکا می‌باشد.

۴. کاهش تنش با روسیه

از اولویت‌های سیاسی ساکاشویلی تضعیف نقش روسیه در سیاست‌های داخلی این کشور بود. روس‌ها به دلیل داشتن یک پایگاه هوایی در تفلیس، یک تیپ مکانیزه در آخال کالاک، یک پایگاه دریایی در بندر پوتی و همچنین یک تیپ موتوریزه در باتومی و سوخومی، در سقوط گامساخوردیا، روی کار آمدن شواردنادزه، رشد و نمو ارمنیان، تحولات داخلی گرجستان نقش پررنگی داشتند.

۱. حقوق استاد در دانشگاه‌های شهر تفلیس به حداکثر ۴۰۰ دلار و استادیار در دانشگاه کوتائسی حداکثر ۱۵۰ دلار می‌باشد. به نسبت تورم موجود مثلاً قیمت یک بطری آب معدنی بزرگ به قیمت یک دلار می‌توان درآمدها را با مخارج تطبیق داد.

۲. درباره سایر اقوام گرجستان نیز باید گفت در حال حاضر بیشتر کردهای یزیدی که تعداد آنها در حدود ۲۰۰۰۰ می‌باشد در تفلیس زندگی می‌کنند. یونانی‌ها که تعداد آنها در حدود ۵۰۰۰۰ نفر می‌باشد اکثراً در آجاریا، آبخازیا و تفلیس و آشوری‌ها نیز چند هزار نفر در تفلیس و کوتائسی به سر می‌برند. با برچیده شدن پایگاه‌های روسیه در گرجستان چون اکثر روس‌ها خانواده‌های ارتش روسیه مقیم گرجستان بودند تعداد روس‌ها به شدت کاهش یافته است ولی نگارنده در تحقیق میدانی نتوانست آماری از روس‌ها در گرجستان به دست آورد.

ساکاشویلی برای کم شدن نفوذ روس‌ها در گرجستان سعی در بر چیدن پایگاه‌های روسیه در گرجستان نمود. وی با مشاهده مقاومت آبشیدزه حاکم آجاریا با تکیه بر پایگاه روسیه در باتومی، برق، گاز و حتی آب منطقه را قطع کرد و بالاخره توانست با فشار وارده، آبشیدزه را وادار به رفتن به روسیه کند و پس از مدتی کوتاه پایگاه روسیه در منطقه آجاریا نیز برچیده شد.

اگر چه در حال حاضر مخالفین ساکاشویلی به دلیل فضای سنگین پس از جنگ اخیر، طرفدار روسیه نیستند ولی با واقعیت‌های موجود، می‌توان پیش‌بینی کرد که گروهی از گرجی‌ها با در نظر گرفتن امکان همزیستی مسالمت آمیز با روسیه و بهره‌مندی از این کاهش تنش، جایگاهی در جامعه گرجستان پیدا خواهند کرد به ویژه این که تعدادی قابل توجه از مهاجران گرجی بعد از فروپاشی در روسیه به ســـــر می‌برند.

به رسمیت شناختن استقلال اوستیای جنوبی و آبخازیا به وسیله روسیه، این کشور را در وضعیت برگشت ناپذیری قرار داده است زیرا باز پس‌گیری مناطق فوق از راه نظامی تقریباً غیر ممکن است و با توجه به موقعیت سیاسی گرجستان در صحنه سیاسی جهان و عدم تمایل بعضی از کشورهای اروپایی مانند فرانسه و آلمان برای مقابله با تروریسم در کنار مسائلی نظیر کاهش روس‌ستیزی، افزایش نفوذ روسیه و تضعیف موقعیت امریکا در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، شاید رئیس‌جمهور بعدی گرجستان مجبور شود همانند یوشچنکو رئیس‌جمهور اکراین هیاتی را مأمور به بهبودی روابط با روسیه بکند. در غیر این صورت منازعه طولانی گرجستان با همسایه قدرتمند شمالی، با اقتصاد ضعیف و مشکلات قومیتی عدیده، هزینه‌های سنگینی را برای این کشور در پی خواهد داشت.

منابع و مأخذ

۱. آکینر، شیرین. "اقوام مسلمان اتحاد شوروی"، ترجمه علی خزاعی فر، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶.
۲. احمدی، حسین، تالشان، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، ۱۳۸۴.
۳. جوانشیر قره‌باغی، میرزا جمال. "تاریخ قره‌باغ"، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، ۱۳۸۴.
۴. امیراحمدیان، بهرام، "گرجستان"، تهران: انتشارات شیرازه، ۱۳۸۳.
۵. بارتولد، و، "تاریخ ترک‌های آسیای میانه". ترجمه غفار حسینی. تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۶.
۶. بنیگسن، آکساندر و مراکس آپ، ماری، "مسلمانان شوروی، گذشته، حال و آینده"، ترجمه کاوه بیات، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.
۷. رافی (هاکوپ ملکی هاکوپیان)، "ملوک خمسه"، ترجمه آرا در استپانیان، تهران: پژوهش دانش با همکاری نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۸۵.
۸. رضا، عنایت الله، "اران"، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، ۱۳۸۰.
۹. قره‌باغی، میرزا یوسف، "تاریخ صافی". به کوشش حسین احمدی. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۷.
۱۰. محمدلو، یعقوب، باکو: تنسیل نشریاتی، ۲۰۰۲.
۱۱. روزنامه آینا. چاپ باکو. ۱۶ مارس ۲۰۰۰.

11. Allen, W.E.D, "A History of the Georgian People", London: kegan paul, 1932.

12. Bennigsen, Alexandre & Wimbush, S.Enders, "Muslims of the soviet Empire", London: c.Hursm& compony, 1985.

13. Suny , Ronald grigor (Editor), "Trans Caucasian Nationalism an sociale change Essays in the history of Armenia", Azerbaijan and Georgia: the university of Michigan , 1999.